

حقیقت

۱۳۵۹ دی ۷

شماره ۱۰۲۵

ماجرای

راهپیمائی و لغوآن

مقصد حزب جمهوری چیست؟

کارزار سیاسی مرتجعان نه‌ای که میرفت تا به بلسواي بزرگی در روز پنج شنبه ۲۷ آذر ماه تبدیل شود موقناً فسرو نشست . برنا به راهپیمائی با صلاح همگانی پیش از آنکه رسوائی خود را به همگان بروز دهد دستوراً نام لغو شد . اسام از بلوای بزرگی که توسط سران حزب جمهوری بنام وی و بهانه دفاع از " روحانیت مسازو" بقیه در صفحه ۳

سرمقاله

سازش بزرگ

با

شیطان بزرگ

آیا به پایان گروگان گیری رسیده ایم؟

از همان زمان که مجلس شورای اسلامی شرایطی گانه آزادی گروگانها را به تصویب رسانده معلوم بود که جاده سازش با آمریکا بر سر جاسوسان اسپیس هوا رگشته است . پس از مذاکرات پشت پرده و پیشنهادی وار طریق میانجی (الجزایر) با لافزه آقای رجایی - نخست وزیر "مکتبی" - اتمام قریب النوع ماجرای گروگانها را با اطلاع عموم رسانند: "دیگر این آمریکا است که میتواند در موقع با هر روز برای عید پسا تولدیا هر نام مسئله ای که

میخواهد ، جاسوسان را از ایران ببرد ، یا دیگر گروهای که گره سیاسی با خود محتاج به زمان باشد در اینجا ندا ریم . نقیض تضمین ها بی است که از نظر مالی بقیه در صفحه ۲

شیرکت تعاونی رانندگان قرابری تهران فعالانه برای پیروزی در جنگ میهنی می کوشد!

شیرکت تعاونی رانندگان قرابری تهران فعالانه برای پیروزی در جنگ میهنی می کوشد!

گزارشی از فعالیت های پشت جبهه : کارخانه تولید دارو - واحد کیوان صفحه ۶

نیم نگاهی به سمینار انجمن های اسلامی کارگران صفحه ۲

چه کسی می گوید حزب جمهوری انحصار طلب است !!! صفحه ۴

هدف نجات الهی ها را تحقق بخشیم

دو آبان ۵۷ دانشگاه چون آشنه ای تمام نما غلبان جنبش عمومی مردم ایران را منعکن کرد . برپائی هفته همبستگی دانشگاهها با مردم

مصادف با آزادی اولیه دسته از زندانیان سیاسی شد . شور و صف ناشدنی تهران را فرا گرفته بود . زندانیان سیاسی آزاد شده به میعاد دکه هدیرینسه

سازات مردم یعنی دانشگاه ها با آمدن دانشگاه تبدیل به استقبال کنندگان فرزندان استقلال - آزادی ایران شد . بقیه در صفحه ۵

سازش بزرگ

بقیه از صفحه اول
خواستاریم (اطلاعات
۲۰ آذر ۱۳۵۹: تا تئید از ما ست)
آری! دیگر بزرگ دولت رجایی
(که در روزها) تئیرینی "صفت
امپریالیستی" و "فدلیبرالی"
اش گوش فلک را شوکرده است و
امپریالیسم آمریکا هیچ "گروه
سیاسی" بر سر مسئله گروگانها
فقط نقطه مسئله
بول است.

چند روز پس از این اظهارات
رئیس جناب نخست وزیر به پاسخ
شعایی ایران دومورد گروگان
تا بطور رسمی انتشار مییابد
سیاری از توافقات پشت پرده
را روه کند. اگر به این پاسخ
شعایی (مدرج در روزنامه
کیهان ۲۰ آذر ۱۳۵۹) رجوع
کنیم، بدرجه، سازش و عقب نشینی
که در مبارزه علیه آمریکا
جورت پذیرفته می خواهد بود:
اولاً: تنها شرطی که عملاً
برای آزادی گروگانها به پیش
گذارده شده است، عبارتست از
پول، پول و باز هم پول. زمانی
که بحث جنگ و چانه زدن فقط بر
سر پول باشد، بسیار طبیعی
خواهد بود که جناب نخست وزیر
بفرماید: "..... ما دیگر گره های
تنگ مسلمانان یا نه... نداریم،
فقط تضمین هایی است که از نظر
مالی خواستاریم ... گذشته
از این امر، پولهایی را هم که
طلب کرده اند، پولهای ملت
ایران میباشد که اکثریتی از
شروکان گیزی توسط آمریکا
غصب شده بود.
ثانیاً: دولت رجایی که

گویا بسیار از فدا مپریالیست
و "فدلیبرال" هم میباشد -
تعمداتی را به گردن گرفته
است که معارضش هیچ چیز جز
صحة گذاردن بیرون و فروشی های
رژیم پهلوی و چپاولگری های
امپریالیسم آمریکانیت است.
در قسمت دوم از پاسخ شعایی
ایران، تحت عنوان "اقدامات
دولت جمهوری اسلامی ایران"
میخوانیم:
"الف... دولت
جمهوری اسلامی ایران ضمن
تعمد برداخت اقسام بدعی های
واقعی ناشی از وامها و
اعتبارات متخذه در گذشته بدین
وسيله دولت الجزایر اجازه و
اختیار میدهد که از منابع فوق
مبلغ یک میلیارد دلار با بست
تضمین اقساط عقب افتاده
و صهای فوق الذکر نگهداری
نموده..... و....."
"ب- نظریاً پیشگام دولت
جمهوری اسلامی ایران تخمه
برداشت دیون واقعی خود بجه
افزایش مبالغه آمیز مالیاتی
میباشد، دولت ایران سعی
پذیرد که دعوی مطروحه شرکتها
و شپروندان آمریکا بی علیه
ایران و مطالبات و دعوی
اتباع و مؤسسات ایرانی علیه
اتباع و مؤسسات آمریکائی ..
حل و فصل گردد. دولت جمهوری
اسلامی ایران پرداخت دیون
مقبول، از منابع فوق، تضمین
نقدی اولیه ای معادل یک
میلیارده دلار..... نزده و دولت
الجزایر را هدیه کرد."
بدین ترتیب مسئولیت
دولت جمهوری اسلامی، همین
"فدا مپریالیستها" و "فدلیبرالها"
"حزب جمهوری"،
عملیات قروضی را که رژیم
منقرض پهلوی برای این ملت
ببار آورده بود، تقبل میکنند
تمام سرمایه گذارهای امیر-
یا لیستی که مؤسسات غارتگر
آمریکایی در ایران کسوده و
بساط چپاولگریشان را گسترده
بودند بر سعیت میثنا بدوی ساز
پرداخت سرمایه های آنها را

تضمین میکنند، و دعای شوکت
ها و مؤسسات آمریکایی را مورد
قبول قرار میدهد و عملاً و علناً
بشدت مصوبه مجلس شورا را
صحنی بر "فدلیبرالیسم" و
شرکتها و افراد آمریکایی را
زیر پا میگذارد. از معنی سازش
و فقط از دو جنبه: بالاصحیح
توان دریافت است!
سازش با امپریالیسم
آمریکا بر سر گروگانها، برخلاف
انتظار بسیاری از نیروهای
سطحی نگرنده به سرمدمداری
"لیبرالها" بلکه به رهبری و با
میل و اراده رهبران حزب
جمهوری و مجلس و دولت متبوع
شان جنبه عملی و نهایی بخود
می یابد. حزب جمهوری با تمام
عوامل فریبی های "فدا مپریالیسم"
لیستی و "فدلیبرالی" خود،
هدف اصلی اش تبخیر تمام
کمال قدرت میباشد. ولیسی
حزب جمهوری در دوران جنگ
مرتباً با به نای توده ای خود را
از دست داده اعتبار و حیثیت
کا ذیش لطمه جدی وارد آمد،
وا ز سر دیار بیسی صدر در رهبری
جنگ عملیاتی بیعت را از حزب
جمهوری ربود تا برای این حزب
جمهوری برای تحکیم موقعیت
خود احتیاج به خاتمه جنگ
که عرصه خوبی برای تاخیر و
تا زایشان نیست، دارد. یکی از
راههای خاتمه جنگ، سازش با
حزب این جنگ یعنی امپریالیسم
لیسم آمریکا بوده است به همین
ظانیم با آغاز جنگ، بنا گهان
حزب جمهوری از طرفداران دو
آتشه آزادی گروگانها گردید.
این چنین است ماهیت واقعی
سرمدمداران حزب جمهوری: در
ظاهریستهای قلمب انداز گرفتن
و در باطن و در زیر پرده، تاخیر
زند حیثیت و شرافت ملتی بسا
بول!

اگر چه سرمدمداری این
سازش سنگین، با رهنمایان دلال
صفت و فتنه گر حزب جمهوری
بوده، ولی این امر تا شاید
کامل بشی مدروها دارانش
و سایر ملین، و تن دادن اجبار

ری نیروهای منتصب به خمینی
به این سازش همراه بوده است
بنی مدرو لیبرالها از ابتدا با
گروگان گیری و این مبارزه
مخالف بودند، و حقیقت را بگو-
شیم بالاخره سیاست و "راه حل"
اینان با اجرا دارا آمد.
ولی خمینی و نیروهای
منتصب به او از روی اجبار -
اجبار ریقاتی - به این امر
تن داده اند. این امر نشان داد
که خمینی و جریان خرده بورژوازی
بی هوایاری، در مقابل
مشکلات و تفاوتهای پیچیده
انقلاب در مقابل مبارزه
طبقاتی حاد درون جامعه و
دعوی بزرگ بر سر قدرت
از توانایی رهبری مبارزه بی
بهره هستند و بالاخره بزرگ بر چم
این و آن میروند. خمینی عملاً
نشان داده است که دیگر - بطور
مشخص - قدرت بشیر دارا انقلاب
را ندارد.
جالب توجه است که ایس
سازش با تاخیر خمینی نیروهای
دو آتشه "فدا مپریالیسم" چون
حزب توده و فدائیان (اکثریت)
نیز همراه بوده است. این نیرو
ها فعلاً سیاست نزدیکی به حزب
جمهوری را دنبال میکنند و سعی
خواهند کرد طریق و با تکیه بر این
نیروی ارتخامی بسوی قدرت
بخزند. بنا بر این فعلی برای
همه کارهای این یا نه نشانه جز
واضحاً ز طلب کف میزنند و اعمال
آنها را به شیوه "مارکسیستی"
توجیه "علمی" مینمایند. اینان
که این همه درباره امپریالیسم
لیسم آمریکا و سرکردگسی اش
سینه چاک میدهند، معلوم نیست
چرا در مقابل این سازش آشکار
میرسکوت بر لب زده اند و بطور
ضمنی آن را تاخیر میکنند؟ چون
این سازش از جانب و فقیانی "فد
امپریالیست" شان در حزب
جمهوری بنیاده میگردد!!
"پاسخ نهایی" دولت
رجایی بیباکگریک سازش بزرگ
ولکدمال کردن دستاوردهای
بقیه در صفحه ۷

ماجرای...

بقیه از مجله اول ...
 ندارد که می‌تواند بی‌سازگاری کند. او و تعدادی از اهل افغانستان وی فهمیدند که اینها را مانند بهارهای دیگر، که از معماران بلایان حزب جمهوری اسلامی مردم را به راه ... بهدانی های انحرافی بسرای کریدن این با آن سازمان و نام کردن روحانیت در برابر بسرای دیگران دعوت میکنند، نمی‌باشد. هم مردم تحمل اینسازگاریها را ندارند و مردم درون این "روحانیت" هماهنگی سابق وجود ندارد. مردم کوچک و بزرگ در دنیا می‌دهند و همه جای ایران و انگلیسهای سختی در میان توده‌ها پدید می‌آید. ناخوشی دیوانه ... و ارسران توطئه گر حزب جمهوری و هم دستا نشان برای روز پنج ... شبیه برای همانان گران تمام خواهد شد.

نقشه چه بود؟

روزنامه "انقلاب اسلامی" (۲۷ آذر ۵۹) پس از نوبت ... به راه بهیماشی روز پنج شبیه از تعدادی از دست اندرکاران و افراد درگیر در این جریانات در باره قضیه راه بهیماشی و علت لغو آن نظرخواهی کرد. غالباً با چیزی نگفتند و پاسخ تجدید زکا را ما می‌پردازیم. ولی در این میان شیخ علی نیرانی با اشاره به برنامی ریزان این راه بهیماشی یعنی حزب کذابی و هم دستا نشان و تقویت ربا با تراخت مطبوع ساخت. وی گفت: "مطرح اینست که اینها قصد داشتند

و مقدمات را فراهم کرده بود. ندوم میخواستند که راه بهیماشی شود و مسلماً در قطعنا مه رئیس جمهور و هواداران را محکوم کنند و توطئه آیت را کامل کنند و اما اینها دیدند که مسلماً مردم در مقابلشان عکس العمل نشان خواهند داد و هدفشان شکست خواهد خورد.

مقدمات برنامی پنجشنبه را بهیماشی ها و نظایران ... تهای زورگی پیش از آن، راه افتادن دسته های چماق دار در شهرها برای بستن بازارها بعنوان با ملاحظ اعتراض به جریانی که میخواستند روحانیت را تضعیف کنند، سیل تلگرافها و اعلامیه های معلوم الحال و تبلیغات را دیروز - تلویزیون و برخی مطبوعات بود. اینسازگاریهای برنامی برپا شده که در بسیاری نقاط با اعتراض مردم روبرو شد، همه زیر عنوان مبارزه علیه با ملاحظ. لیبرال لیسم، مخالفان ولایت فقیه و روحانیت، کسانی که بیبانه آزادیخواهی علیه امام و یاران نزدیک امام توطئه میکنند و بر راه افتاد و در همه این امور سران حزب گذاشتی از مسامحت کامل سران خائسین حزب توده و شوروی بردار زبهای هدف مندان، این جریان مزدور و وابسته به شوروی برخواستار بودند و با آنها همکاری داشتند.

صبح آزادگان به نیابت از طرف اینها اعلام کرده که اکنون "پس از منافعین خلق رسیده ... ایم بهمین حرکت نوظهور و روحانیت متعهد که با همکاری عناصری از همین کمسوت در لباس آزادیخواهی و مبارزه با انحراف طلبی ... السخ" جریان یافته است. یعنی کار این پس مانده های ارتجاعی ارتقا با مجاهدین خلق، که اخیراً مدها تن آرایشان را دستگیر و بزندان افکندند، به جایی رسیده که اکنون می توان سرفوت "حرکت توطه ور" بنی مدرو" مناصری از همین

کسوت "روحانیت یعنی علمی تهرانی ها و لاهوتی ها رفتن و بی آنها هم تکلیف را یکسره کرد.

البته در هفته دوم آذر ماه کوششهایی پس از ملاقات بنی - صدر با خمینی برای با ملاحظ رفع اختلافات صورت گرفت و یک هیئت پنج نفری با مورصدگی با بنی قضا شد؛ لیکن این به معنای فروکشیدن آتش اینسازگاریها نبود. در واقع رفع مساجاتی طی مساجدهای بسیار اعتنائی اعلام کرده که "ما از این جلسات زیاد داشته ایم" چهار روز بعد از تشکیل هیئت با دنده نیز حزب جمهوری اسلامی بیانشیه تهدید کننده ای صادر و اعلام کرده که حمله به حزب و سران آن بمعنای حمله به روحانیت و امام و خط امام است و آنها را "یاران نزدیک" اما چونان بهشتی ها، رفیقان نی ها و خا منهای ها و ... "هدف حمله قرار داده اند" در حقیقت شخصیت امام را بزرگترین سوال کشیده "و خلاصه ما" امام و خط امام و مبارزات دامن دار رسد ده اند. یعنی بنی مدرو و جناح وی، همچنین لاهوتی و تهرانی و دیگران، هدف حمله اشان اما مودعوا میان آنهاست و "شخصیت امام" میباشند. بدینسان قضیه طوری فرموله و بدوران جا روجتال میشود که هم مردم دچار دوستگی و تجزیه شوند و هم امام بطور کامل و بی خصوما توده، ساد، طرفدار روی علیه مخالفان برانگیخته گردند.

در این زمان خمینی خود از قوی شدن وزنه بنی مدرو در میان توده ها و ایجاد یک قطبی که در همه مسائل تابع اراده وی نیست درنگرانی بسر میبرد و به آن بعنوان مخالف و رقیب خود می نگرد. از دیدگاه او مسئله اصلی حفظ موقعیت روحانیت یعنی امتیازات آن در دولت است و سیاست بنی مدرو و طرفدارانش، اگر چه عده ای از رو-

حانیون منتصب به وی نیز با این سیاست همراه باشند، هر آینه اگر بر سیاست سران حزب جمهوری و همپالکی های آنها غلبه کند، نتیجه اش "تضعیف روحانیت" در مجموع و در جهت "جدایی دین از سیاست" می باشد. که البته دور از واقع نیست. همراهی خمینی با سران حزب جمهوری با چاشنی تحریکات روحانیت و نیز مرتجع شهرهای مختلف توأم میشود. در افغان بهنگام رفتن علمی تهرانی برای سخنرانی در آنجا تحریکات و بیعتی صورت میگیرد و پس وقتیکه شیخ علی زانجام سخنرانی بصرف و خواهان ترک محیط میشود گروهی با یک برنامی از قبیل تنظیم شده و یک دستگاه ضبط صوت به ماشین وی هجوم میبرند و آنقدر سه وی دشنام میدهند، که شیخ علمی عصبانی شده و چند کلمه ناسزا نشان می کند. فوراً سوار این چند کلمه، که توسط همان افراد مهاجم ضبط شده بوده، به حضور خمینی برده میشوند و وی گفته میشود که شیخ علی به طرفداران ناسزا میگوید. در پی همین قضیه است که خمینی جلوی خود را باخته و در سخنرانی ۲۱ آذر خود می گوید بعضی ها "کتاب اخلاق مینویسند و خودشان ممتصف به اخلاق حسنه نیستند" و از این حرفها! (شیخ علی کتابی بنام اخلاق دارد) بعد هم باره شدن یکی دو عکس از خمینی و منتظری در افغان یا مشهد، که قاعدتا توسط افراد خودشان بمنظور تحریک مردم صورت گرفته، پیراهن عثمان میشود و در همه جا فریاد میزنند که به امام و جانین امام و طرفداران امام امانت شده است. همین قضیه تا مراگانی بوده که آیت الله منتظری را، که معمولاً خیلی زود تحریک می میشود و سی حساب و کتاب حرفی را میزند و بعد هم ظاهراً بشیمان

چه کسی میگوید

حزب جبهه‌رویی آنحصار طلب است؟!!

بعضی‌ها می‌گویند که حزب جبهه‌رویی آنحصار طلب است. این سخن را می‌توانیم از ده سال پیش به عقب برگردانیم. آنوقت می‌بینیم که در آن زمان، حزب جبهه‌رویی حکومت را در برابر آنحصار طلبی که در آن زمان در ایران حاکم بود، قرار داد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد.

رشد دستان آنحصار طلبی، در آن زمان، در برابر حزب جبهه‌رویی، آشکار شد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد.

بسیار شنیده‌ایم که در این روزها، حزب جبهه‌رویی را آنحصار طلب می‌گویند. این سخن را می‌توانیم از ده سال پیش به عقب برگردانیم. آنوقت می‌بینیم که در آن زمان، حزب جبهه‌رویی حکومت را در برابر آنحصار طلبی که در آن زمان در ایران حاکم بود، قرار داد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد.

تا زمانی که این حزب، در برابر آنحصار طلبی، تلاش کرد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد. آنوقت می‌بینیم که این حزب، برای مبارزه با آنحصار طلبی، تلاش کرد.

از رجال مملکتی چون رجایی، نخست‌وزیر، وزیر جدید کار، علی‌ماذنی، تهرانی، ازساز، مان، صنایع ملی و فخرالدین، حجازی برای حفر استخرانی کردند. در ضمن همین استخرانی از دستورها برخوردار بود. اقتصاد که محبوب شده مسئله، مهمی چون وضع "شرکت موگکا" - لکان آن (که چندین ادعا می‌شود) ماجا هدین خلق هستند) و بیست و نه "ملی" کردن آن رسیدگی کنند!!

سمینار، چاره‌جویی بسیاری تقویت دوباره، این انجمن‌های در حال از هم پاشیده شدن بوده است. یکی از سخنرانان در این سمینار به حفر استخرانی می‌دهد که: "شما باید از نفوذ عناصر مرتجع طلب و منحرف و دارای افکار غیر اسلامی در این انجمن‌های مقدس اسلام، می‌جلوگیری نمایید، زیرا خدا انقلاب در صدد بی اعتبار کردن این انجمن‌هاست." (جمهوری اسلامی - شنبه ۲۹ آذر). باید به این شخص محترم اظهار داشت که نه کسی بفرنگ نفوذ در تشکیلاتهای بی پایه و اساسی چون انجمنهای اسلامی است و نه احتیاجی به بی اعتبار کردن آنهاست که خود در عمل بی اعتباری خود را برای کارگران اثبات کرده اند. در طول سمینار وعده‌های

نیم نگاهی به سمینار انجمنهای اسلامی کارگران

طرف حزب جمهوری در کارخانه‌ها بعهده دارند. حزب جمهوری در گذشته تعدادی تا توسط این انجمنهای اسلامی، شورا - های واقعی کارگری را برهم زدند و در برخی موارد نیز با موفقیت رو برو گشت. ولی این امر دیری نماند. امروزه انجمنهای اسلامی کارخانه‌ها، اهمیت و انگیزه شان رفته و در اکثر کارخانه‌ها مؤثر نیستند. کارگران هستند عملاً فقط اقلیت ناچیزی از کارگران را تحت تأثیر و نفوذ خود دارند. یکی از اهداف تشکیل این

انجمن‌های اسلامی کارخانه - ها تا حدتلف در تهران برگزار شده و بحث مختلف زبانی ربطی را با طولی و عوامل کارش می‌دور قطعنامه‌های در دفاع از راه - پیمایی روز شنبه ۲۷ آذر بود که راه پیمایی هم برگزار شد. انجمن‌های اسلامی کارخانه‌ها، عملاً و اساساً تنها دمای وابسته به حزب جمهوری اسلامی در کارخانجات هستند. این انجمن‌های اسلامی می‌رسد گفتگویی، تفتیش عقاید با عمال ضد کارگری را از

حالت دلیران
بدون شك پاسخ دندان شکنی به تجاوزات اشراق بخشی عراق خواهد داد!
آنجا که و بیست و نه ای ایران

نجات الیهی

بقیه از ملاحظه اول
 ارتجاع کهن هراسناک از شور
 ایجاد شده در ۱۳ آبان با کشتار
 دانش آموزان و دانشجویان
 خواستار تشبیت خاکمیت خود
 گشت در ۱۴ آبان مردم و بخصوص
 دانشجویان و دانش آموزان در
 پاسخ به کشتار روز قبل تهران
 را در زیر قند نهی استوارشان
 به لایحه در آوردند، ولیسن
 حاشا در تهران در این روز
 بهت مردم در دانشگاه تهران
 به زیر کشیده شد و به مسرا هان
 حکومت "آشتی ملی" نیز سقوط
 کرد، دولت نظامی از هاری
 برای کنترل اوضاع ابتدا
 دانشگاهها را به محاصره نظامی
 در آورد، تا در پرتوی دوختن
 لبان ملت خاکمیت خویش را
 تحکیم بخشند.
 در او خراذر، عده ای ار
 کا در علمی دانشگاه تهران در
 اعتراض به این عمل و خواست
 استعفاء دانشگاهها و برچیدن
 بساط حکومت نظامی در دبیر
 خانه دانشگاه تهران متحصن
 شدند، دو روز بعد عده ای دیگر
 از کا در علمی دانشگاههای
 ایران با تجمع در مقابل محل
 تحصن استادان که در محاصره
 قوای نظامی بود پشتیبانی
 خویش را از این اقدام اعلام
 نمودند، و برای اولین بار
 شعار دانشگاهها سنگرزادی است
 را مطرح ساختند که به سمت
 دانشجویان این شعار را بران
 کبرند، روز دوم همین عده از
 استادان با همین خواست
 وزارت علوم را به اشغال در

آوردند، دانشجویان که خود
 معلم راستین مبارزات بودند
 برای شکوفائی مبارزات
 استادان نشان بیاری آنها
 شتافتند، آنها علاوه بر ترتیب
 دادن تظاهرات پشتیبانی از
 متحصنین غذای خویش را از
 خوابگاهها به وزارت علوم راهی
 کردند و با راهنمایی خیر
 نگاران به محل تحصن و طبع و
 نشراخبار مربوط به آن در
 شگرفائی این مبارزات سهمی
 بی ارزنده داشتند.
 کمیته های اعتماد بسی
 کارگری - کارمندی بسی
 ارسال پیام های همبستگی
 خویش را با متحصنین اعلام
 نمودند، کارکنان صنعت نفت
 در پیام همبستگی به استادان
 چنین اظهار محبت و محبت نمودند
 بودند: "شما شیکه از فرزندان
 این مرز و بوم دلوران و آزا -
 دگانی بیارمیا وریدک، همواره
 پیشتا حرکت مردم و مساره
 فریادهای خلق بوده رستند
 شما شیکه با اعلام هفته همبستگی
 تان فرمتی دادید تا همه اقار
 اجتماع از جمله ما کارگران در
 پیوند و رعد مبارزه انقلابیستان
 شرکت جوئیم و به نیروی خود
 ایمان بیاوریم..." و کارگران
 وزارت نیرو به نشانه همبستگی
 با متحصنین بهنگامیکه برق
 کلیه تهران را قطع میکردند
 برق در منطقه محل تحصن را با
 رشادت روشن باقی میگذاشتند
 آیت الله طالقانی در پیام
 پشتیبانی از این اقدام
 اظهار داشته بود: "هما نظوریکه
 این ملت بیباک استه را با زور
 گلوله نمیتوان خاموش کرد
 دانشگاهها را نیز نمیتوان
 تعطیل و اشغال نمود." همه جا
 سخن از دانشگاه و تحصن بود.
 از هاری برای نشان دادن
 اقتدار دولتت را اعلام نمود که
 مدارس از ۴ دی با زخوا هشد.
 با او نیز چون کلیه هم مسلک
 نش گور خوانده بودند چه که بهمت
 دانش آموزان قهرمان از آن
 پس کلاسهای واقعی درس در

خوابگاهها و ویلا و جلوی دبیرخانه
 دانشگاه تهران برپا شد. هر روز
 هزاران دانش آموز به گسترده
 محل تحصن تجمع نموده و بسا
 حمل شعار "دانشگاهها سنگرزادی
 است" بران را دعوت الیه حمایت
 از این مبارزه حق طلبانه می
 کردند.
 در روز ۵ دی صدای خفیف
 گلوله های یکی از استادان
 متحصن در وزارت علوم را در
 تراس طبقه هفتم به خون کشید.
 خون سرخی که نشان از توانائی
 شکوفاشدن اقشار میانی جامعه
 داشت، کارگران در خون در غلطید
 و کلیه خبرنگارینها شهسادت
 نجات الیهی را مغایره نمودند
 رژیم هراسناک از خشم
 مردم و برای ردگم کردن، این
 جنابیت را کمانه کردن گلوله
 توصیف نمود، وزیر علوم وقت
 اعلام نمود که دولت برای او
 تشریفات رسمی برگزار خواهد
 نمود (این عمل بی شبا هست
 به فاتحه خوانی لیبیرالها و
 سران حزب در کشتار ۲ اردی -
 بهشت دانشگاه تهران نمسی
 باشد) ولی در همان شب
 توسط گارد شهرپا نی و بسا
 شلیک گلوله بقیه متحصنین
 وزارت علوم را نیز روانه
 زندان جمشیدآباد نمودند.
 روز ۶ دی تهران در یک
 آتش و فنا شدنی از تنفس
 نسبت به خاکمیت در حال سوختن
 بود هزاران تن در حواله بسی
 بیمارستان هزارتخت خوابی
 تجمع نموده بودند، رژیم سعی
 بر آن داشت تا با زدیدن جسد
 شهیدان را خاتمه یافته
 و نمود کنند، اما بهمت
 کارکنان بیمارستان و عزم
 راسخ مردم جسد دست مسرده
 رسید، آیت الله طالقانی
 بخاطر احترام همیشگی اش به
 دانشگاه به بیمارستان آمد،
 تهران کمتر روزی را با این همه
 همبستگی بچشم دیده بود، مردم
 آگاهها با نماز محبت نمودند
 در عصر شناخته شده ای چون
 درخشش که سعی داشت از چگونگی

گزارشی از فعالیت های پشت جبهه :

کارخانه تولید دارو - واحد کیوان

تجا و زوحشیا نه، مزدوران بخت عراق سه خاک کشور عزیزمان ایران که بخشی از توطئه های ابرقدرت های امپریالیستی - بخصوص آمریکا ای جنایتکار برای سرکوبی انقلاب و ملت بیپناه - ساخته ایران ریشخند برای برقراری سلطه؛ مجدد خود و نوکسران آنها می باشد، میدان آزمایش بزرگی است برای مردم دلاور ایران که سر برانند بیرون آمدن از آن خون عزیزان، بیشماری را طلب میکنند، خوشبختی که مظهر شرف و آزادی خلق ما و برتری از حما سه های بشریت ستم دیده بر علیه جباران و نوکساران و مزدوران نشان بوده و سرانجام هر چون دریا می خروشان هم - دزدان و شیطانان بین المللی را در کام خود فرو خواهد برد و جهایی آزاد و بدورا زهرگونه است شما را و استعمار بیبا خواهد نمود.

واحد کیوان، در حقیقت کارخانه تولید مواد غذایی و معرفی کیوان، یکی از چندین کارخانه مجتمع تولید دارو می باشد که عراق در سه راه آذری (اول جاده ساوه) می باشد. مواد تولیدی آن: زلو (انواع آن) - شکلات - نانک می باشد. حدود ۲۵۰ کارگر دارد که بخش عمده آن مرد هستند و از اقلیت کمسی کارگر زن برخوردار است. در این رابطه بهتر است اول کسی از روجه کارگران قسمت نسبت به جنگ بنویسیم:

یکی از بچه های قسمت که سرباز بود و حدود چند ماهی بود که سربازی رفته بود. این کارگر هم مثل اکثریت بقیه کارگران مومن به انقلاب و حفظ استقلال و آزادی مملکت مان بوده و هست. موقعی که کارگران قسمت شنیدند دوران سربازی خود را در سر مرز میگذرانند، ندانند که حتما یک طوری کاتک رده که مخصوصاً سر مرز برود. و دقیقاً هم درست حدس زده بودند چون وقتی برای مرخصی آمده بودند و قفا وجودش بر تاپا از خشم و کینه نسبت به بعضی های مزدور آمریکا آکنده بود. یک روزی درست همان زمانی که حملات مرزی رژیم مزدور بخت عراق شدت یافته بود، یعنی حدود یک هفته پیش از شروع جنگ (اول مهر) یکی از کارگران برای بقیه بچه های قسمت خبر آورد که فلانی در جبهه است. سوسه مزدوران عراقی زخمی شده. کویا ترکش خمپاره بیهوده او اصابت کرده بود. وقتی خبر به کارگران رسید، جو قسمت متشنج شد. استند بر و نداننا نشان. همه غمگین شده بودند اما غمی همراه با آینه بر علیه رژیم بخت مزدور و نوکرا آمریکا، یکی از کارگران میگفت: "دلیم بخراست اسلحه میداشتم و میتوانستم به مرز بروم و اسلحه را رویه بعضی های مزدور بشیرم و خدمتی بهشان بکنم و بگویم بروید به آن صدام نوکرا را با بتان آمریکا بکشید که ما از استقلال مملکت و آن تا آخرین قطره خون دفاع میکنیم". بعد از این ماجرا چند تا از کارگران مبارز قسمت، تبلیغ برگزاری کلاس آموزش اسلحه کردند که بین کارگران گرفت و به خورا رفتند. یکی از کارگران به شورا گفت: "این حملات مرزی توطئه آمریکا است و ما باید با این توطئه مقابله کنیم. اینها حتماً میخواهند حمله را به ما جا گذارند و دهندها را بر ما بسازند. مسلح شویم تا از انقلابمان دفاع کنیم." و در ادامه آن کارگران دیگر از این کارگرها راجعاً به ترتیب کردند و مرتب به شورا میگفتند

که کلاس آموزش اسلحه بگذارید و شورا هم قبول کرده بود. کارگران در این کلاس وقوس بودند که تا گهر روز اول مهر جنگ شروع شد و به فرودگاه حمله کردند. موقعی که حمله شد، کارگران سرکار بودند و سردستگاه ها کار میکردند که تا گها ن صدای مهیبی سالن را لرزاند و همه هیجان زده و نگران به بیرون کارخانه دویدند. البته چند تا از کارگران هواپیمای مزدور بعضی ها را دیده بودند. و بعد هم دود و خاک بعد از بمباران به همه این را فهمیدند که هواپیمای عراقی بوده که فرودگاه را بمباران کرده است. بعد از بمباران همه کارگران قسمت میخواهند به فرودگاه بروند و آنقدر هیجان زده بودند و دندوفش به آمریکا و بعضی ها میدادند و مصمم بر سر رفتن که آدم فکر میکردند تا بعضی های مزدور در فرودگاه هستند و اینها جسد برای مقابله با آنها میخواهند بروند. وقتی جو مقتدا ری پایشین آمد و از سروصداها و فحش دادن به عراقیهای مزدور آمریکا کم شد، چند نفر از کارگران قسمت سریع به فرودگاه رفتند که خبر رسید قیق بیبا و روند. در آن روز بعد از ظهر و روزهای بعد جو بیلا بود یعنی ضد آمریکا و بعضی ها به مخالف آن به اصطلاح "انقلابیونی" (پیکار) که آنها را میگرداند جنگ ارتجاعی است و سعی در تحریف واقعیات دارند و مرتباً میگویند "مردم از جنگ بیزارند" و "این جنگ هیچ ربطی به استقلال ندارد" و دفاع از میهن را "بورژوازی" میداند، کارگران عکس العمل صحیح و شایسته طبقه و حمتکش خود را نشان دادند و میدهند و دقیقاً جنگ را در رابطه با استقلال و ادامه انقلاب میبینند. یکی از کارگران مبارز میگفت "چون ما با آمریکا که دشمن اصلی ما است مقابله کردیم و حاضریه سازش نسیم تنها با او بلکه با ابرقدرت دیگری یعنی شوروی و نوکران آن نشدیم نقشه ریختند و این جنگ را توسط صدام مزدور آمریکا برآوردند تا با ما مقابله میکرد" ما باید بجنگیم و چون این جنگ دفاع از انقلاب است ابرقدرتها سعی دارند تا با ما مقابله کنند" و این نهنها حرف این کارگران است بلکه این اعتقاد است که می کارگران است. لا اقل در این قسمت حتی یک نفر هم نیست که مخالف جنگیدن بر علیه آمریکا باشد. و املاً این ساله توی دهن بعضی از بچه ها افتاده بود که "بقول آقا (امام خمینی) این جنگ خیر و برکت هم دارد و خیر و برکت آن مبارزه ما با آمریکا که برای حفظ استقلال است، آبدیده شدن خود ما و اینکه هر چه بیشتر با ابرقدرتها بجنگیم انقلابی تر میشویم". یکی دیگر میگفت "چون این جنگ بر علیه آمریکا و نوکرش صدام است، جنگ خوبی است". البته نقل قولهای بیشتر از این هم هست که اگر بخواهیم بنویسیم تا بدیک در سرچ را شامل شود. البته نقل قولهای بسیار با بد قایل توجه فدائیان اکثریت (که بخشی از آنها در این قسمت هستند) قرار گیرند که "فرمودند": "کمونیستها هرگز جنگ میان دولتهای مختلف را بسوا انقلاب، بسود خنقا و بسود پرولتاریای انقلابی نمیدانند" و دیگر اینکه "جنگ صلح جهانی را بهم میریزد" (ضمیمه کار شماره ۷۸)

فکر میکنیم جمله های نقل شده در بالا توسط کارگران قسمت جواب محکمی به با و کوشی های با اصطلاح "منظاری و بقید در صفحه ۱۰

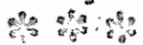
شرکت تعاونی رانندگان ترابری ایران فعالانه برای پیروزی در جنگ میهنی می کوشد!

از شروع جنگ تحمیلی مردوران بعثی عراق علیه انقلاب و میهن ما که همه مردم به دفاع برخاستند شرکت تعاونی رانندگان ترابری تهران ضمن اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها هائی که انتشار داده است و نگاشته خود را در این مورد اعلام داشت و چه از طریق تماس با اعضاء چه از طریق روزنامه‌ها و وسایعای ایران رانندگان شرکت را که بالغ بر ۵۵ نفر میباشند و هم چنین کارکنان و کارگران خود را به بسیجی همه جانبه دعوت کرد. بسیاری از رانندگان زحمتکش و استقلال طلب تراک و ترابری خود را که تنها مرمم‌های و گذران زندگیشان بود در خدمت دفاع از میهن و انقلاب خویشار خود گذاشتند. از همان ابتدای جنگ رانندگان خود را در رژه‌های وسیع و همه جا شهبای در شهر بودند که با تراک‌های خود در جلوی سفارت عراق و خانه‌های سی هجوم با جوانان سرافرازه مزدوران بعثی را محکوم کنند که از اجرای آن جلوگیری شود. چند روز بعد از آن بسیج مستضعفان خواستار بیعت نشن را ننده، با به یک شبکه با افسانه بعد از اعلام آن از راه خود در چهل نفر راننده‌ها ترابری‌ها نشان خود را به محل بسیج رسانند و برای هر نوع کمک اعلام آمادگی کردند. همچنین روزیکه هوا پیمان‌های عراقی کارخانجات جاده کرج را به راکت و گلوله بستند پیش از ۵۰ ترابری تراک بسنه نما بندگی از طرف همه رانندگان زنجیروار را چراغهای روشن و شعار هائی که بروی آنها نصب شده بودند تا مقابل محل مذا و سیما ی ایران به حرکت در آمدند که با استقبال مردم در بین راه روبرو شدند. اما مسئولان صدا و

سیما ی ایران با آنکه از جریان امر فیلم برداشتند و با چندتن از رانندگان مباحثه کردند لکن هیچوقت آنرا پوشش نکردند که در وسیع این قشر زحمتکش تا شير گذاشت. اما آنان خود را به میدان عمل گذاشتند و در این مناطق جنگی شدند. از شعار هائی که بر تراک‌های خود نصب کرده بودند هر کس می توانست عزم جزم آنان را در راه مبارزه و دفاعی بر حق مشاهده کند. برخی از شعارها چنین بود: مرگ بر مزدوران بعثی عراق، آمریکا نقشه می کشد، شوری مسلح می کشد، صدام تها و زمین کند. مردم به دفاع از انقلاب و میهن بجا خیزید. زنده باد دلاوری مردم مناطق جنگی، شرکت تعاونی رانندگان ترابری تهران در خدمت ارتش بیعت میلیونی، مردم متحد، مردم مسلح در راه انقلاب، مبارزه با آمریکا و... رانندگان این شرکت بخاطر اینکه در موقعیت کنونی حمل و نقل و تخلیه بنساز در رساندن مهمات به جبهه و مساباحتیاج عمومی به مردم از مسابحتی و موارد خاص و مهم است در این زمینه‌ها فعالیت خود را گسترش دادند و چندین تن از آنها تا قلب جبهه‌های جنگ پیش کارخانه ترابری هوا را در آخرین احوال، با لاری‌ها و با مشغول شدند و بسیاری دیگر برای تخلیه بنادر جنوب و حمل گرسنگان و سایر لاری‌های ضروری بدان نواحی راهی شدند و تاکنون یک دستگاه

سازش بزرگ...
 صدا مهربا لیستی انقلاب مردم ایران است. امیربا-
 لیم آمریکا در مقابل این عقب نشینی بزرگ مطمئناً بیشتر از گذشته به توطئه‌گری و اعمال فشار دست خواهد زد. اخبار و گزارشات حاکی از آنند که کشورهای مرتجع منطقه به تحریک امپریالیسم آمریکا میخواهند قضیه ۳ جزیره و ما-
 لکیت بر آن را علم کنند. این اخبار هم چنین مبنی بر آنست که آمریکا خود را برای اشغال این جزایر آماده میکند. مطمئناً توطئه‌های دیگر در چینه امیربا-
 لیم آمریکا است و مطمئناً اینگونه سازش و جبهه‌زمین سازیدنها، آمریکا را گستاخ ترخواهد ساخت! برای این گستاخی‌ها باید آماده باشیم!

و اما همین اشغالگری...
 مزدوری چون حزب توده و فدائ-
 حانی بی جیره و مواجب شوری بعثی چریک‌های اکثریت کف خواهند زد. این نیروها حق هم دارند برای این گفتار بیخفا نه کف بز: همچون شایند بزودی اینان هم به این قانون "و شرع" مقدس احتیاج پیدا کنند. تا بدتر آینده "سوسیالیسم" روسی برای نجات "کمونیسم" ایرانی از شرع حزب توده و فدایی اکثریت - یا ساده‌تر چریک توده‌ای بخواد از این "حق قانونی" و مشروع "فردا ستفاده کند و به مداخله (الیه) از نوع "قانونی" و "مشروع" ("در ایران بپردازد. آن موقع همه "سوسیالیستها" و "کمونیست" ها "ی نوع فیدل کاسترو تبلیغ خواهند کرد که بغم مداربند روسها برای نجات "انقلاب و کمونیسم" در ایران مداخله کرده‌اند و این حق "مشروع" و قانونی آنرا است!!



ماجرای ...
 بقیه از صفحه ۳۳

میگردد، برای اعلام راهپیمایی روز پنجشنبه وارد میدان کنند.

در همین مدت ایستادی وابسته به حزب در چند شهر کوشش میکنند تا مردم را به تظاهراتها و راهپیماییهای پراکنده اعتراضی علیه جریانی که بیه قصدن امام میکوشد" یاران نزدیک امام چونان بهشتیها، رفسنجانیها، خامنه‌ایها و امثالهم را کنترلیزنند، وادار سازند، چماقداران معلوم الحالی بزور بخشی از بازارهای اصفهان و قم و مشهد و چند جای دیگر را می‌بندند، که در همه جا با اعتراض بیشتر بازاریان روبرو میشود. مثلاً در بازار شهر ری کار به زد و خورد میکشند. بازاریها علیه چماقداران و حزبشان راهپیمایی میکنند. رادیو و تلویزیون با سانسور اخبار واقعی کتاکشهای درون شهرستانها و ده‌برابروگاه چندی ده‌برابریشان دادن تظاهراتها پراکنده‌ای که توسط عده‌ای از ملایان روحانیون و افراد معلوم الحال وابسته به حزب در چند شهر برگزار شد، کوشید تا حوتحریک گسترده‌ای در میان مردم نرپا هم کند و مخالفان را مرغوب سازد، جداها اعلامیه و بیانیید بنام عده‌ای از روحانیون و انجمن‌های اسلامی، که تعداد اعضایشان قالب از انگشتهای دست و حداکثر چندده نفر است و از شمیکند و عده‌ای گروه‌های کاغذی انتشار پیدای

میکند. البته جداها اعلامیه و بیانیید در اعتراض به این جریانات و در دفاع از جبهه مقابل صادر میشود، که انتشار پیدای نمیکند. تحریکات وسیعی از منبرها ج صورت میگم سرد، ولیکن اخبار اعتراضات و کتاکشهایی که در این مساجد روی میددد، و حتی عده‌ای از ملایان توسط مردم کتک میخورند، انتشار پیدای نمی‌کنند. با انتشار اعلامیه "آیت الله منتظری برای راهپیمایی روز پنجشنبه، روحانیون و عناصر غیر روحانی ولی کاسه داغ تراش طرفدار حزب جمهوری در همه جا میکوشند جو را برای راهپیمایی آماده کنند و مقاد قطعنامه‌های راکه قرار است روز پنجشنبه خوانده شود در ذهن مردم آماده سازند. صبح سه‌شنبه ۲۵ آذر رضوانی نامی از طلاب حوزة علمیه قم در تظاهرات ساختگی قم بر سکوی خطا به رفته قطعنامه‌ای را بدست گرفته و در آن این ادعای تحریک آمیز را میخواند که " نقشه ترور و چهل نفر از روحانیون عالی‌قدر مملکت بوسیله بقایای عوامل کودتا در ارتش از دفترها - هنگی رئیس جمهور الهام گرفته است "؛ یعنی هواداران بنی صدر میخواهند سران و سرشناسان روحانیت اطراف خمینی را بکشند و کودتا کنند. در همین قطعنامه علیه " روحانیون نمایانی که با لیبیرالها و منافقان بر علیه روحانیت مشروب با زوان اسامی روزی در تهران، مشهد و اصفهان خادشه آفرینی میکنند مانند علامسی تهرانیها " خط و نشان کشیده میشود و درخواست بسته شدن " لانه فساد " بنی صدر یعنی " دفتر همکاریهای مردم بسا رئیس جمهوری " طرح میگردد. همزمان با قطعنامه، قم، در تهران ۶۷ نفر از نمایندگان وابسته به حزب کذائی در مجلس به سردمداری توطئه‌گر معروف

و همکار در باره در کودتای ۲۸ مرداد یعنی سید حسن آیتیت، موضوع بی‌اهمیتی را در مقابل بنی صدر در روزنامه انقلاب اسلامی (" کارنامه " رئیس جمهور) بهانه کرده طبع نامه‌ای که توسط رئیس مجلس خوانده میشود خواستار میشود که " شورای عالی قضائی و شورای عالی دفاع " با پیدای انتشار دهندگان این مقالات یعنی شخص بنی صدر را " تحت پیگرد قانونی " قرار دهند " مجازات " کنند.

از اینجا که ملا روشین میشود که بر نامه حزب کذائی و " روحانیت موثر " و " یاران نزدیک امام چونان بهشتیها، رفسنجانیها، خامنه‌ایها و ... " برای روز پنجشنبه ۲۷ آذر چیزی جز برانداختن بنی‌صدر، دست کم از مقام فرماندهی کل قوا و خانه نشین ساختن هواداران روحانی و غیر روحانی وی، و بعد هم پیشنها " فرمانده کل قوای خودشان و بدینسان پیاده کردن اولین چشمه از چشمه‌های قطعنامه‌هایی بر اساس مفاسد قطعنامه " تموناً " حسن آیتیت و همداستانش در مجلس و گتجانندن بندی برای تغییر فرماندهی کل قوا جنبه " علنی و رسمی پیدا میکند. طبق گفته " شخص بهشتی " قرار این بود که در روز پنجشنبه بجای یک قطعنامه واحد سراسری " قطعنامه‌های آزادی را مردم در هر گوشه‌ای " صادر کنند، تا این راهپیمایی " بتنام معنی خودش در هر گوشه‌ای بهمان صورتی که هست تحلی کنند " - یعنی با مصلاح خود جوش، انگار که از درون خود مردم بطور خود بخود بیرون دمیده و از مرکزی هدایت و کنترل نشده، جلوه کنند!

صبح روز چهارشنبه ۲۶ آذر، روزنامه جمهوری اسلامی با میدانه‌ای از هر لحاظ " برای راهپیمایی کذائی فریاد اینجمنیه آماده شده، بسا خط درشت در بالای صفحه اول مینویسد که بدنبال توطئه‌های

اخیر علیه انقلاب و روحانیت مشمول - یعنی خودشان - " موج اعتراض سراسر ایران را فرا گرفت ". لیکن بعد از ظهر همان روز با خودشان و با احتمالاً بخشی از روحانیون و خمینی‌ها از چگونگی بالا گرفتن دعوا، و این واقعیت که راهپیمایی روز پنجشنبه میتواند همه چیز را بهم بریزد و حتی بعکس خود تبدیل شود، بیمناک شدند و با یک دستور لغو تمام با " آن موج اعتراضی سراسری " را خوابا - شدند. هادی خسرو شاهی، یکی از اعضای هیئت حل اختلافات میان روحانیون حزبی و ضد حزبی و دولت رجائی و بنی‌صدر، درباره " علت این تصمیم‌گیری صریحاً گفت که " آن خطری که از راهپیمایی بود، تصادم گروهی و جماعتها بود که این قبیل نگرانیها با لغو راهپیمایی از بین رفت "، و هم اینکه " احتمال داشت یک پیشامد هائی در این زمان حساس بشود و دشمن ... بلکه بتواند آب را گل آلود کند و ما می‌بگیرد ". یعنی راهپیمایی بعکس خود تبدیل شود و جناحهای طرفدار بنی‌صدر و شاخه‌های حریبان سوم دیگر از این اوضاع بسود خود بهره‌برداری کنند و دود تمام تحریکات چند هفته " اخیر بیه چشم خود بر گزار کنندگان ایسن راهپیمایی برود.

مقصود چیست؟

روزنامه جمهوری اسلامی در یکی از شماره‌های خویش در این اواخر گفته بود که عده‌ای میکوشند که همان بر نامه‌های را که در چین پس از مرگ ما تئو رهبر این کشور پیاده شد، در ایران پس از درگذشت خمینی پیاده کنند؛ و از اینرو ما یعنی حزب و هواداران با دید پیش از اینکه چنین پیشامدی شود دستکار شویم. روزنامه یاد شده با طرح این داستان بر نامه واقعی حزب خود را فاش ساخت.

بقیه در صفحه ۹

ماجرای

بقیه از صفحه ۸

در چین پس از رفتن ما شو چنجا -
حیاتی کودتا کردند و قدرت را
تاما با دودست خود گرفتند و
حزب کذابی از بیم آنکه مسادا
پس از رفتن خمینی در ایران
نیز چنجا حیاتی کودتا کنند و
قدرت را در اختیار خود بگیرند ،
میخواهند از ماجرای چین عبرت
گرفته پیش دستی کنند و خودش
در زمان حیات خمینی کودتا
کنند و قدرت را به آنها رخسود
در آورد . خلاصه آنکه حزب کذابی
بنا به اعتراف خودش قعد کودتا
دارد !

اشفاقا وجه تشابهی که
روزنامه جمهوری اسلامی میان
جریانات چین و ایران قائل
شده است درباره ای نکات خالی
از مضمون نیست . در آنجا در
زمان حیات ما شو چنجا حیاتی
بودند که برای رفتن رهبر این
کشور و زشمار می کردند تا
کودتا کنند (یعنی همین
دارودسته هوا کوفنگ - تن سیا -
شوین) . این چنجا عموما
طرفدار زد و بند با بر ق قدرت
آمریکا بودند . اما محافل
دیگری هم وجود داشتند که در
زمان حیات ما شو چنجا داشتند
پیش دستی کرده و کودتای خود
را عملی سازند ، و در این میان
رهبر این کشور را هم سر به نیست
کنند (اینها همان دارودسته
لین بیا شو بودند) ، این
محافل دنبال زد و بند با بر
قدرت شوروی بودند ! و از قضا
این محافل از کسانی تشکیل
می شدند که پیش از همه خود را در

" خط ' رهبر این کشور ، " خز -
دیگترین یاران " وی و موسس
دو آتش مفرقی میکردند . حالا
این قسمت داستان هم به ما جاری
ایران شبیه در آمده است ، و ما
مشاهده میکنیم که در اینجا هم
محاذلی که پیش از همه خود را
در " خط " رهبر حکومت خود ،
" نزدیکترین یاران " وی و
مسلمان دو آتش مفرقی میکنند ،
و اتفاقا تماما بیل به زد و بند با
این قدرت شوروی هم دارند ،
بهمان ترتیب میخواهند در
زمان حیات این رهبر کودتای
خود را عملی سازند . و قاعدتا
قضیه سر به نیست کردن هم در این
میان با پدید بر نامه ما باشد !
چینی ها معمولا دعوا ها و برنا -
مه ها و مفا صد خویش را در پرده
تشبیهات تاریخی و در قالب
پادشاهان و صدراعظم ها و رجسالی
کهن تاریخ کشور خودشان طرح
میکردند ، و اکنون حزب جمهور
اسلامی هم دعوا ها و برنا مه ها
و مفا صد خویش را در پرده
تشبیهات چینی و در قالب
شخصیت ها و رجال انقلاب و
دولت چین طرح میکند ، و البته
بحد کافی خواناست !
اما منظور حزب کذابی
از آن عده ای که تدارک برنا -
مهای نظیر کودتای چین را پس
از درگذشت خمینی می بینند
کاملا روشن است . آنها چنجا -
حیاتی هستند که امروز به گرد
پیشی در حلقه زده اند و بخشی
از قدرت حیاتی را در دست
دارند . بنا بر این برای سران
حزب تا مبرده ، که -
تشکیل حکومت مطلقه خویش
را در رمی پروراندند ، برنا -
مه کشونی گنا رزه این چنجا -
حیای مزاحم و در وهله نخست
پا شین کشیدن بنی صدر از مقاصد
مهای کنونی می باشد . پیشتر
چمن آیت در بنوا رکذابی خویش
ظا جرا برای اجرای گام به گام
این برنا مه یک فرجه چهار
ساله تا پایان دوره ریاست
جمهوری بنی صدر زمان قائل
شده بود ، ولی اکنون حزب

مشاهده میکند ، که با وجود
داشتن اکثریت در مجلس و
تشکیل دولت مطلوب خود وهم -
چنین با وجود حمایت ها شی که
اما مازیا راه ای سیاست های
ایشان میکند ، توده های فرا -
بنده ای از مردم در شهر های
مختلف به مخالفت و مبارزه با
حرکت ارتجاعی و انحصار طلبان
نه آنها برخاسته و بنی صدر
و جناح های طرفدار وی بیش از
پیش برای حرکت عمومی
سوار میشوند . آنها از جمع شدن
توده های عظیمی از مردم تهران
برای گوش دادن به سخنان
بنی صدر در روز عا شورا و بعد هم
حسینیه ارشادیه وحشتناکانه دنده
در حالیکه در همان زمان تنها
تعداد بسیار کمی ، آنها بقصد
صرف غذای مسجد ، پای منبر
بهشتی در بازار نشستند وهم -
چنین برای گوش دادن به
سخنان با هنر در حسینیه ارشاد
تنها ۱۶ نفر حضور یافتند .
ماجرای مشهد و بعد از آن اصفهان
مثل زنگ خطری در گوش آقایان
صداکرد و خصوصا از موضع گیری های
لاهوته و چرخ زدن های شیخ
علی در شهر های تهران و اصفهان
، که بمنای علنی شدن شکاف
درون روحانیون اطراف
خمینی در میان توده ها بود ،
بشدت خشمگین شدند . پس حزب
کذابی و طرفدارانش باید در
نیل بمقا صد و اجرای برنا مه
خویش عجله کنند .
در اینجا کارزار بر جنجال
دستجات وابسته به حزب در همه
شهرها بالا گرفت . این کارزار
از چند هفته پیشتر بود و لسی در
این دوسه هفته اخیر بطریقی که
ذکر شد شدت خاصی یافت .
برای سران حزب جمهوری
و طرفداران آنان املا قضیه
جنگی که هم اکنون با تجاوز
کاران عراق و پیشه بانان سین
المللی آن جریان دارد ،
اهمیتی ندارد ؛ بلکه میتوان
گفت که شرایطی که این جنگ
پیش آورده بیش از پیش به زیان
آنها تمام شده و بیا یکه آنها را

در میان توده ها تضعیف کرده
است . آنها پیروزی در این
جنگ را بمنزله پیروزی بنی صدر
و هژادا را نش مشاهده میکنند
و طبعا از اینکه تحت این شرایط
ایران پیروز شود احساس خوشنود
نمیکنند . هیا هوی برخی از
آنها در نما ز جمعه ها و مطبوعا -
نشان علیه سیاست انکاء بنی
صدر برارش و برای مردمی
کردن جنگ یک هیا هوی دروعین
است . این هیا هوصرفا برای
گوبیدن رقیب ، جلب توده های
پاسدار و سر باز و پیا ده کردن
نوطه غصب کامل قدرت در تهران
صورت میگردد . اگر جز این بود ،
اگر کمترین صداقتی در این
حرفها یشان بود ، آنها وهم -
دستان خیانت پیشه اشان در
شهر های خط جبهه در خوزستان
(وهمچنین کرمانشاه) به
بگیر و بپند و تیر و انکاء بنی
فرا دادن توده ها از شهرها و
جلوگیری از بسیج و تبلیغ مردم
نمی برداختند . بی دلیل
نیست که در روز قبول مردم خانه
ای و بهشتی را هم میکنند و یا در
آغا جاری ، کارگران انجمن
اسلامی وابسته به حزب را بجرم
خرابکاری در مقامت مردم بر
سراغای انگشت شمشیر خراب
میکنند و آنها را از شهر فراری
میدهند . در واقع سران حزب
و دولت دست نشانده شان ، که
کوچکترین احساسی برای آزادی
و استقلال کشور ندارند ، از بیم
آنکه سرنوشت این جنگ در عرصه
کارزار واقعی بنبغ تحکیم
قدرت ایشان تمام نشود ؛ به
اقدامات سیاسی و دیپلماتیک
بین المللی متوسل شده و بسا
رشوه دادن به ابرقدرتها میگو
شدتا سرنوشت جنگ را تا بسج
با مصلاح ابتکارات دیپلماتیک
خود گردانند . (بفرستجانی
به کشورهای عربی ، بشک زدن
های حزب به شوروی و همچنین
سازش بزرگ قسینه گروگانها با
آمریکا) ، البته تلاش سران
قدرت طلب حزب برای نزدیکی
بقیه از صفحه ۹

ماجرای...

بقیه از صفحه ۹

به ابرقدرتها از این هدف کلی برمیخیزد که آنها برای بسط انحصار کشیدن قدرت در ایران و نقاب بلیه با خرافات فدا طلبی به جلب پشتیبانی قدرتها نیاز دارند. ارتجاع جدیدناچار است راه ارتجاع حاکم گذشته را طی کند!

تمام کارزار بر جنجال هتته های گذشته نشان داد که آنچه برای این گروه فرصت طلب ارتجاعی با مصالح اسلام پناه و سردستانان آنها مطرح نیست آزادی و استقلال این کشور است. آنها برای تسلط مال و منال و جاه و مقام غمیسی خود بر برقراری حکومت مطلقه خویش حاضرند با زار چه ای را برای ره بردن دستمالی به آتش کشند! و هر چه در جا معه مشرف در وانگشت نما تر میشوند و وحشی تر میگرددند. برای همین در این چند هفته برای ایجاد محیط رعب و وحشت در کشور و آساده کردن شرایط برای برقراری حاکمیت مطلق خویش به ایجاد هرج و مرج در شهرهای گوناگون و سپس سرکوب جریانهای انقلابی و مخالفت به بهانه آن برخاستند. در شهرهای شمال خصوصا آمل و لاهیجان، دسته های چاقه داری برای ایجاد درگیری در خیابانها راه افتادند و سپس به آنها نه درگیری دستجات مسلح کمیته های وابسته به حزب بسط بگیر و ببند و کشت و کشتار و ایجاد نوعی حکومت نظامی غیررسمی برخاستند. در همین زمستان

حسن آنتی، توطئه گرمسروف و دبیر نظامی حزب کدائی برای نظارت بر اوضاع به شمال سفر کرده بود. در شیراز و اهلبهان و خصوصا مشهد قفیه بهمین ترتیب بود. در نورآباد دمسنی کار به مقاومت مسلحانه مردم در برابر چمآندان مسلح کمیته های حزب کشیدند. در اهلبهان مردم به هیجان آمده در چند نوبت با ایدای مسلح حزب کدائی در افتادند، و غیره و غیره.

در همین دوره تلاش حزب جمهوری و جریگه های مختلف آن برای مسلح کردن خودشان بالا میگردد. بنابه اطلاع آنها سفارش های خصوصی خرید سلاح و همچنین وسایل پلیس سیاسی و جاسوسی به برخی کشورهای خارجی داده و تا حال محموله های زیادی را تجویب گرفته و بطور خصوصی آنها را رو بعضا مورد استفاده قرار میدهند. مادر گذشته در باره خرید و انبار کردن اسلحه و تجهیزات توسط دارودسته های وابسته شاه و بهتیارخان هشاد را میم، در همین زمینه در باره اغزاب وابسته به شوری هم هشدار دادیم و همچنین برخی جریانها دیگر. حالا این هشدار زودتر این زده از توطئه گران نوباره نیز بشنوید. گوئی همه گروه سندیهای رنگارنگ و در عین حال رقیب مدعی طرفداری از خلق مشغولند، و فقط خود خلق کلاهش پس ممر که مانده از همه کمتر متشکل و تقریباً بی دفاع مانده است!

روزنامه صبح آزادگان که از فرط خودنمایی و تکبر آن یک مقدار "سیاستمداری" ارگان حزب را هم ندارد، صبح پنجشنبه (۲۱ آذر) واقعیت از دانش نبرید و برای ترساندن مخالفان گفت: "این یک چشمه را میگوئیم تا بقیه حساب خود را بکنند. مرا کز اطلاعاتی اسلامی بدقت همه چیز را تحسنت نظر دارد... جوانهای حامی روحانیت هر کدام داره المعاد

رفتی از اطلاعات سیاسی نظامی هستند. بسیاری دیگر این حضرات برای اخود را "مرا کز اطلاعاتی" خصوصی بینسی ساواک خصوصی هستند و همین "داشده المعارفی از اطلاعات سیاسی نظامی" خصوصی (قا-عدنا مجموعه ای از انواع سلاحها و وسائل و تخمهای که آموخته و کارشناسانی که پیدا کرده اند) هم دارا میباشند. و تازه اینها فقط "یک چشمه" از بسیاری چشمه ها، جزئی از کل تدارکاتی است که ایشان برای اینکه "بقیه حساب خود را بکنند" دیده اند! آنها همچنین برای جلب برخی فرماندهان ارتش بسوی خود (با مصالح برای کردن آنها از جنگ بنی صدر) به اقداماتی در پشت پرده متوسل شده اند. هر چند بعضی از این فرماندهان هم از ایشان و هم از بنی صدر با مصالح خلیسی ختم ترند.

تمام این شواهد نشان میدهد که سردمداران حزب کدائی و هم دستان تبهکار آنها به تنها چیزی که می اندیشند بلعیدن تمام می قدرت سیاسی و استفرار حکومت مطلقه استبدادی خودشان است. که بقول شادروان طالقانی باید در پرده دین تحمیل شود آنها اکنون بدلیل که گفته شد، و همچنین بنا به اعتراف خودشان، عجله دارند که تا انجام زنده است، کار دیگران بالا نگرفته، برنامهم خود را عملی سازند؛ و البته بنا به اظهار روایت نسبتاً قابل وثوقی کلک خمینی راهم در این بین و یا بعد از آن با یک نرنامه حساب شده کودتا فکودتا میکنند و سلطنت را در لباس روحانیت (پس از مدتی هم شاید بی لباس) احیا کنند. البته این سودای خامی است که اینها در سر می پروراندند و عوامل متعددی را، از جمله اما دگی توده های مردم برای سرکوب هر توطئه، خائشان و

نجات الهی...

بقیه از صفحه ۱۳

مقطع نیروهای دانشجوئی با برپائی شورائی در جهت هم آهنگی نیروهای مترقی و انقلابی برای بازگشائی می توانند به گردش را بازگشائی دانستگاهها به بسط دموکراسی و تعمیق مبارزات فدا مپریا لیستی کمکدایانی بنام بند وادان با داخل طره دی نیزر کترین تجلیل از دی بسر اشجا مرسانیدن نهائی اهداف شهدای این روز است. دانشگاه این کانون آگاهی بازگشا میم.

حقیقت

ازگان

اتحادیه کمونیستهای ایران بخوانید

کمکهای مالی خود را از هر طریق ممکن برای ما ارسال نمائید

اتحادیه کمونیستهای ایران

شرایط ما عدم مقاومت از با در نظر نگرفته اند؛ و اصولاً نه امکانات و توان خود پرتیا میدهند.

تاریکی "فدائیان" اکثریت است. چرا که بدستی کارگران اثاره کرده بودند آن چیزی که در بین میگذرد جنگ خوب است بیجا بنده محنتی و مصون جنگ است. اگر جنگ بین دو کشور آمریکا - ایلیتی و سرما بخداری باشد مثل جنگ جهانی اول که در پیش غارت و بیجا بود. هر دو طرف جنگ بدی است. اما جنگی که بین ما و آمریکا است در یکا از ما بدی خدا مه زود و صورت گرفته اند قیقا دارای مضمون و محتوای ۵۰ میلی رگشی برای خلق ایران از یوغ امپریال - با ایسم آمریکا است. پس اگر با است. چنانچه برای این میشود گفت جنگ بطور کلی بد است. و هر گنگ که چشمه و میگوید جز تبلیغ روحیه - انفعال و ریبی عدلی برای کارگران و دیگران نیست. در انا ... با ریدیکوشیم البته کارگران قسمت فقط بدستدها شعارها در حرف زدن بیرون آید آمریکا و بعضی های مزدور نکرند بلکه بدست به یک سری اقدامات عملی زدند:

۱ - بعد از اول مهر و شروع جنگ یکی از کارگران مبارزین ضربت دومه که در وقت پارلی شامل یک قسمت از مقاله اول حقیقت شماره ۱۰۲ در ایران و عراق بود و دومین مقاله شامل یک قسمت از اعلامیه "بلشوی قهرمان ایران پیشک پاسخ دندان - شکن به تحقیر و آزار و بیعتش خواهد داد" بود و تا شیر به سار چالشی بیرونی کارگران داشت و عکس العمل آنها کاملاً نشان داد که با محتوای آن کاملاً موافق هستند و بیتریکویج حرف دل خرفشان بود. ۲ - نوشتن دو اعلامیه توسط هوتا از کارگران زن میا روکها خلاصیه اولی ضمن محکوم کردن تجاوزات بعث عراق و بهیچ نقض بیعت جرمه بشامل رهنمودهای عدلی در مورد حمله نظامی بود. مثلاً در آن اعلامیه فراوان بر تهنیت شورا و اینکه وجودشان لازم و ضروری است. محادثه توزیع ارزاق عمومی توسط شورا. جلوگیری از اجاره و اجازات محظوران توسط شورا ... اعلامیه دیگری با شعار آزادیگانه نوشته شده بود. شوروی مسلح میکند و چینی تا شید میکند. خدا ما شن تجا و زمین میکند شروع شده و تا مسلسل رهنمودهای عملی در مورد کارخانهها، کلاس آموزش اسلحه و لزوم مسلح بودن کارگران، کلاس کتکهای اولیبه، کلاس آموزش ایمنی، ساختن بناها ... برود.

عکس العمل کارگران قسمت بسیار مثبت بود و در سال رهنمودها گرفته و بیرونی شورا فکارگذا شخص برای عملی کردن آنها. در این مورد به یاد بگوئیم کلاس آموزش اسلحه در سطح هر واحد و جداگانه هم برگزار شده که در سطح کل تولیدار و ترا راست برگزار شده. در این مورد بگوئیم که فدائیان اکثریت بهیچای نوشتن مقالات و تها از مقاله های حزب جمهوری اسلامی و نقل قرآنی آقایی نامندای رهنمودهای تفرقه افکن اومسی بد نوشتند و بجای تبلیغ مسلح شدن خود مردم و تکیه بر روی قدرت کارگران مرتباً با قائلدهای حزب جمهوری در باره تبلیغ بیجا به پاسداران به نامهای دشمن میفرستند. ۳ - پس از خواستار شدن افکار و کلاس در مدت سال ۶۰ از طرف دولت عکس العمل کارگران بسیار مثبت بود و هیچکس را نمی توانست پیدا کنی که به بدستی نسبت من با شورا راحت و با حتی حالت انفعال در مورد

جبهه رفتن داشته باشد. در حقیقت این افراد حالت بیسی را داشتند که فا من آن را کشید و با شنید و بیرونده جبهه تا بروی سر دشمن مزدور منفجر شوند. در این رابطه کارگران دیگر نیز زیاد در بسیج رفتند و با طلب رفتن به جبهه شدند و همچنین مثلاً منقضی خدمت سالهای ۵۵ و ۵۶ که خود را بعنوان قدا و طلب معرفی کردند. ۴ - در رابطه با ناگهی رزمی کارگران برای جبهه از طرف کارگران بیجا شد که کارخانه گروهی را انتخاب کرده و با ناگهی رزمی بدست آوردند و بیجا شدند برای جبهه. و بدین ترتیب یک گروه ۲۲ نفره از مردم جدا انتخاب شدند و ناگهی رزمی پیدا کردند. ۵ - کارخانه ۲ آمبولانس به جبهه جنگ داد تا دورا بنده داد و طلب. چندی پیش دورا بنده داد و طلب برگشتند و از قسمت ۲ کارگر که مثل آنها را بنده کردند هم نبرد از زمین داد و طلبان زیاد انتخاب شدند که به قول خودشان "شانس آوردند انتخاب شدند که به جبهه جنگ حق بر باطل بروند". ۶ - اجتماع دادن یک روز حقوق کارگران کل به جمع بصورت دا و طلبانه. ۷ - در این حین برادر یکی از کارگران که گروهیان دوم در ارتش بوده درجه پرافتخار رتبهات باطل آمد. کارگران قسمت با شنیدن این خبر سخت متاثر شدند. خبر صحیح زود رسید. با سراسر را غمی همراه با کینه ای بزرگ بر علیه صدام مزدور آمریکا فرار گرفت. چو قسمت با شنیدن خبر متشنج شد و تمام کارگران خواستار رفتن به بهشت زهرا برای تشییع جنازه این شهید شدند. شهیدی که خودش ما نندها می شهیدای دیگر مظهر شرف و آزادی است. جدهای از کارگران نزدیک به آن کارگر که برادرش شهید شده بودند هم با بسیج زدند با مرخصی و با بدون مرخصی رفته بودند خانه وی. چو طوری بود که قسمت روبه تعطیل شدن بود. در این بین سرپرست قسمت کلا می است طرفدار بیخپیارو کارفرما و کارهای فکارگری بهیچاری انجام داده است. ابتدا با رفتن کارگران منافعش کرد اما آتند و جز با نبود که در زیر فشار کارگران مبارز و بیجا شد که از زهد هد چند نفر از قسمت بیرون رفتند (البته از قسمت های دیگر هم بیجا شد که همه با سرویس کارخانه رفتند) و بدین ترتیب یکی از کارگران زن قدیمی مبارز همراه چند تنی دیگر به بهشت زهرا رفتند. آنجا در جلوی درب در خانه جنازه هستای شهیدای بخون خفته خلق کین شده اما ده برای دفن بود. شهید بسیار بیرون خانه های داغیده ما سر بلند از شهیدان در راه انقلاب بسیار. هر شهیدی را که برای دفن میبردند. خانه داده او و جدهای دیگر بر دنیا اش راه افتاده و میشود گفت بسوعی تظاهرات کوچکی بود اما با محنتی عظیم سیاسی بر علیه آمریکا و صدام مزدور. تمام شد اما از خانه های زحمتکش بودند و مومن به حفظ و اقامه انقلاب. این را عیشدکا ملا از سخنان آنها و شنارهای که میدادند فرمود.

مادری بود که میگفت "من توی این جنگ بر علیه کفار، صدام و کارشرد و پسر م شهید شدند. من خوشحال هستم که به درگاه خدای وسعید در آمدم چرا که بچه ها برای انقلاب دادم. برای حق. برای پیروزی حق بر باطل، آره من افتخار میکنم". همین کارگری که برادرش شهید شده بود و پیرا در بزرگتر او بود، از روحیه محکم و استواری برخوردار بود و به خود میباید که برادرش شهید شده و مرتب به آن تعداد از زنان، که تریه میکردند میگفت "گریه نکنید من افتخار میکنم که برادرم شهید شده. اگر گریه کنید دشمنان انقلاب و اسلام خوشحال میشوند". ۸ - در این میان یک عده از کارگران مبارز برای نشان دادن نقش ایستاد قدرت شوروی در جنگ در مقابل حرکت فدائیان اکثریت که مرتباً سعی در خازدن شوروی امپریالیست بعنوان یک کشور با محتسلاج

گزارشی از...

بقیه از صفحه ۱۱

"دوست" دارند و مرتب تبلیغ میکنند "تنها راه حل مسطقی و اصولی برای حل انقلاب کمک گرفتن از کشرهای با صلاح انقلابی و سوسیالیستی مثل شوروی و امثالهم است" (این مطالب را فدا... ثیان اکثریت در اعلامیه "کا رگران پیشرو" مطرح کرده بودند) چند تراکت تهیه کردند و در ضمن آن چهار تراکت که هواداران اتحادیه کمونیستها که عکس هم در دوچهار رشترا را بر یکا نقشه میریزد... به یارانش در جبهه پدید آوردند لاشخوران امیریا لبست را تنها مردم متحد و مسلح میتوانند بیرون برانند تا پاک کردن مناطق اشغالی... را بر روی کاغذ بزرگ نقاشی کرده و بر تابلو-اعلانات زدند که بسیار جلب توجه کرد و در مقابل حرکت یک فالانز طرفدار حزب جمهوری که تراکتها را کهنه بود، عکس العمل شدید نشان دادند، طوری که مجبور شد تراکتها را به شورا بدهد و شورا دوباره بر روی تابلو اعلانات زد.

نمونه ای از تراکتها که در مورد نقش ابر قدرت

شوروی تهیه شده است :

(۱)

جانبازی عشاق نه چون بازی نرد است

مردی اگر هست کز وقت نبرد است در صحنه جنگ است که با بمردی و انقلابیگری آشکارا میشود. شما شنین میگویند و وضع زندگی خراب شده، جنگ را متوقف کنید، یعنی بدام آمریکا بیافشیم. انقلابیون میگویند: با وحدت داخلی و جانبازی و مسلح شدن شما می مردم مبارزتان بودی متجا وزین جنگ را ادامه میدهیم.

آمریکا نقشه میریزد، شوروی مسلح میکند، چین تا شید میکند، صدام خاشن تجا وز میکند!

(۲)

ملتی که یکسال بدون اسلحه با دشمن اصلی اش آمریکا و شاه آمریکا میجنگند، ملتی که جوان سیزده ساله اش خود را بسه هرا هارنک به زیر تانک صدام آمریکا می اندازد به غذا و اسلحه شوروی که به همراه نوکران خود به چکسلواکی لشکر میکشد. مردم افغانستان را بخاک و خون میکشد که در مقابل تجا وز عراق به ایران اعلام بیطرفی میکنند، نیا زی ندارد.

آمریکا نقشه میریزد، شوروی مسلح میکند، چین تا شید میکند، صدام خاشن تجا وز میکند!

مستضعفین ایران نمیخواهند از زیر سلطه آمریکا خارج شوند تا بزیر سلطه شوروی بیروند!

مرگ برای امیریا لبست آمریکا!

« » « » « »

یکی دیگر از تسلیمات، مسموم و مصری که این فدا ثیمان اکثریت طرفدار شوروی میکردند این بود که "ایران اسلحه کم دارد و با پیدا شوروی گرفت" و ابلاهی این بحث قصد داشتند را بسطه داشتن با شوروی امیریا لبست را صحیح جلوه داد و این گفتار فریبکار شوروی امیریا لبست را دوست مردم ایران جا بزنند. در این زمینه کا رگران ما رزبحث های مفصلی داشتند و سخت بسه اشغالی این طرفداران شوروی امیریا لبست بنزد خنند، یکسانی از

کا رگران قدیمی زن مبارز میگفت "ما با بد در جنگ متکی بخودمان با شیم، مگر مردم ویتنام و چین با غیران و سلاحها می که خود درست کرده بودند با آمریکا ن جنگیدند؟ برای جنگ با آمریکا و مزدور مدام، اگر لازم شد با دست خالی و جنگ و دندان هم میجنگیم و ما باید متکی بخودمان با شیم"

در بیان شرحهایی که یکی از کا رگران مبارز به ما سبست جنگ سروده، میآوریم:

در ملت قهرمان	در ملت قهرمان
در همین خاک ایران	در همین خاک ایران
ز جان خود گذشتیم	ز جان خود گذشتیم
حالا که شد رنگون	حالا که شد رنگون
ای ملت قهرمان	ای ملت قهرمان
این صدام تکبریتی	این صدام تکبریتی
با نقشه آمریکا	با نقشه آمریکا
از ذوق و خونین شهر	از ذوق و خونین شهر
به خاک و خون کشیدند	به خاک و خون کشیدند
ای ملت قهرمان	ای ملت قهرمان
ای صدام بیچاره	ای صدام بیچاره
بدست و رابا با	بدست و رابا با
ای ملت قهرمان	ای ملت قهرمان
صدام آمریکا می	صدام آمریکا می
بخاک و خون بکشیم	بخاک و خون بکشیم
مرگ بر این صدام و هم آمریکا	مرگ بر این صدام و هم آمریکا
ای شهیدان ایران	ای شهیدان ایران
طبقه زحمتکشمان	طبقه زحمتکشمان
زنده به روح تسان باد	زنده به روح تسان باد
در صف زحمتکشمان	در صف زحمتکشمان
شهید دادیم هزاران	شهید دادیم هزاران
تا شا را با بسع کردیم	تا شا را با بسع کردیم
با کافران ملعون	با کافران ملعون
عازم شویم میدان	عازم شویم میدان
ارتشش ارتجاعی	ارتشش ارتجاعی
با کمک شوروی	با کمک شوروی
آبادان و خرمشهر	آبادان و خرمشهر
خانه های مکنونی	خانه های مکنونی
عازم شویم میدان	عازم شویم میدان
آخر شقی آواره	آخر شقی آواره
حمله کردی به ایران	حمله کردی به ایران
شیا خسته شد کافران	شیا خسته شد کافران
هم روس و هم شوروی	هم روس و هم شوروی
کشورا ستمنا رگران	کشورا ستمنا رگران
شوروی و روس و طرفداران	شوروی و روس و طرفداران
ای ملت قهرمان	ای ملت قهرمان
با انقلاب ایران	با انقلاب ایران
همیشه پایدار باد	همیشه پایدار باد

برای مقابله با تجاوز
ارتش مزدور عراق
متحد و مسلح
شوید!
اتحادیه کمونیستهای ایران

حقیقت
ازگان
اتحادیه کمونیستهای ایران
بخوانید

نجات الیهی

خویشان مردست برای دفاع از سنگرد مکرسی مف کشیده بودند، خیانت خویش را به یکی از آمرمانی ملت بنظمه ظهور گذاشتند، و مردم ایران هرگز خنده و خشن و سرور امیرالها را در این به اصطلاح متغییران فراموشی نخواهند کرد.

دانشگاه را با کشتن آنها نشو و بیان بستند تا زبان گویای مردم را از آنها بگیرند. دانشگاه را بستند تا مردم نتوانند بپوش از آنها را هرگز و به در آورند، دانشگاه را بستند تا ماضی خیال باطل چرا که امروز هر کس و بزرگ تنه دانشگاه را تبدیل شده است. متولیان: بر زمین ما چه نوشته است که زمانی مردم قریمان در تشییع جنازه نجات الیهی نه ما شهید قریبانی می کنند و درست دو سال پس در کرمان به جسد فدائی شهید که جان خویش را در کشف دفاع از انقلاب تقدیم مردم ایران کرد، آئین مذهبی حرمتی میکنند که وصف ناشدنی است، بر همین ما چه گذشته است و چه دستهای در کار است، که زمانی به انتظار محاهدتهای دانش آموزان، بحق ۱۲ آبان را روز دانشگر، آور ز لقب میدهند و امروز همان دانش آموزان را بخاطر آمرمان ها و عقایدشان از مدارس اخراج میکنند، چه شده است که روزی خیابان مشرف به قتلگاه کامران را جانان نام گذاری میکنند و امروز دانشمندان او را از

دانشگاهها اخراج میکنند، بر همین ما چه گذشته است که روزی در تلویزیونش تمویز حمله ارتش به دانشگاه را نشان می دهد و امروز سران آنها را در صف مقدم نما زجمله به نمایش می گذارد.

دانشگاهها را بستند تا زبان گویای مردم رنج دیده را از آن ها بشیرند، اما فردا و حریفان موجود در اجتماعات سیاسی جامعه بر آنند که آنها را بدورت مسخ شده ای بازگشایند.

یکی از متخصصین دم می زند و دیگری متخصص مکتبی میخواند لیکن در واقع هر دو جناح متخصص میخواهند، چرا که جامعه به ارباب رسیده به آنها "مدیران مدبر" میخواهند، اینها نیز چون رژیم گذشته خواهان آنها بودند که دانشگاهها را بکشد، نشان نیروی متخصص تربیت کند، حزب جمهوری اسلام می با تمام قریبانهای مکتبی مکتبی متخصصینی چون شیخ الاسلام زاده ها را میخواهد دولتی از دیگر ترمیمها در کراس است، اما مردم ایران دانشگاهها را میخواهند که تسدوم لایحه ۱۶ آذرها و ۱۳ آبان ها باشد، مردم دانشگاهی را می خواهند که به بزرگان پرورش یافته در آن، راه بر میسار را به پیما رند، آنها دانشگاهی را میخواهند که در فاضل بروی دهقان زاده های ایران بساز کرده، آنها دانشگاههایی را می خواهند که علاوه بر پرورش متخصص مردمی، انماهایی را تربیت نمایند که با حمل پرچم اتحاد ملی مردم بر علیه امپریالیسم و فقر طبقاتی راه گشای دمکراسی باشند، و این خواست تنها در گروی بازگشایی دانشگاهها به سمت خود مردم است، و این وظیفه پرورش کلیه نیروهای انقلابی است که با تبلیغ خواست بازگشایی دانشگاهها، در جهت با زیم گرفتن این سنگر آزادی اقدام نمایند.

ما بر آنیم که در این بنده در صفحه ۱۰

با تمام تبلیغ...

نظامی هستیم، و اگر فرمان دهند، چرا خواهیم کرد، "عضو حقوقدان: شما با بودن دولت قانونی دکتر صدی چرا با راهی تماس گرفتید؟ شخصی که تبلیغ کرده شخصی نداشته و با نوشته بود؟ شما چرا تماس گرفتید؟

"متهم: آن لفظات را با دیدن طرداشته با شید، چرا؟ حضرت آیت الله کاشانی مرا احضار کردند که وظیفه خودتان را انجام دهید، آیا او را قبول ندارید؟ برای اینکه آقای کاشانی فرمودند یک تغییراتی در پیش است.

"عضو حقوقدان: حرف شما بیشتر است، عا-ت چرا که همین آقای کاشانی به مدق نامه مینویسد که کودنمای آمریکا در پیش است.

"متهم: سرور من آسمون مملکت بیگ، دورت دیگری بود، روسها داشتند میبردند!

"عضو حقوقدان: تماس شما با کاشانی بیشتر ادعای شماست.

"متهم: بخیر ایشان مرا مرتباً میخواست و تلفن میکرد "عضو حقوقدان: بهر صورت این مجوزی برای شما نمیتوانسته باشد".....

گفتگوی جالبی است! ازیکو "عضو حقوقدان" سسی در انکار نقش آیت الله کاشانی در کودتای آمریکا بی ۲۸ مرداد دارد، و از سوی دیگر با تمام نقلیه اصرار دارد که حضرت آیت الله هم از وقوع تغییراتی "گاهی داشتند و خودشان مرتباً تلفن میکردند!!" بالاخره "عضو حقوقدان" هم که از نقش "حرفش" در کودتا اطلاعی دارند (ولی به ضرورت زمانه مجبور به حاشا گشته اند) موضوع را در زمینه گیرند، با اظهار "بهر صورت..." از خبر ما خرا در میگذرانند!!

ولی برای صادق بودن در مقابل تاریخ، ما با بیستی حق را در مورد این واقعیت تاریخی، به تیمسار با تمام نقلیه بدهیم، البته ما اطلاع نداریم که آیت الله کاشانی چند بار و با خصوصی به جناب تیمسار و تلفن زده اند، ولی مدارک و اسناد مهور و کتبی از نزدیکی کامل با آیت الله کاشانی و حزب زحمتکشان بقایب آیت و پیروان "فدائی اسلام" شان با کودتاگران ۲۸ مرداد و سپهبد فضل الله زاهدی موجود است.

در اینحالی نکتته را هم بگوئیم که برخی از اعضای بانده کاشانی - چون میراشرافی سرما به دار معروف اعضایی - بخاطر عضویشان در این دار و دسته و نزدیکی شان با توطئه گرانی چون آیت برای مدتیا از تبع انتقام مردم سردرمانه اند، (که بالاخره پس از کش و قوس بسیار توسط حجت الاسلام مهدی نجف آبادی اعسدام شد، علیرغم تومبه های آیت و پیشانی).

آیا تیمسار با تمام نقلیه هم که از اعضای اصلی کودتای ۲۸ مرداد بود، بخاطر نزدیکی با یاران کاشانی از تبع برننده انقلاب محسوط خواهد ماند؟ بزودی معلوم خواهد شد!



بسیج امکانات همه مرتجعین منطقه

از طرف آمریکا

بایستی رقیب روسی از طرف
امپریالیستهای آمریکایی و
همچنین نفوذ در محیطه آمریکا
قدرت روس است. نیوزویک
اعتراف میکند که "تحلیل -
گران این طرح را بمشابه
اهرمی برای تأثیرگذاری
دولتهای شورومند روسی
کشورهای فقیری چون سوریه
و یمن جنوبی میکنند". این
روی سکه نیز دنباله همان طرح
زانداری است. برخی از بدیل
و بخشهای شاه خاثن به کشور
هاشی چون مصر آن زمان نیز
دقیقا هدفش تحکیم پایه های
امپریالیسم آمریکا در این
کشورها بطور غیر مستقیم بود.
در اینجا هم امپریالیسم آمریکا
تصداد دنباله امکانات مرتجعی
تجمعین محلی خود را بسیج کند.
تا بمشابه سدی در مقابل رقیب
روسی عمل کنند و احیاناً اگر
اوضاع مساعد و برونق مراد بود
در حوزه نفوذ قدرت روس نیز
رخنه کنند. البته ناگفته
نماند که این طرح بخش
کوچکی از نقشه های امپریالیسم
آمریکا در این منطقه است.

اردن و مصر که از ارتش بزرگی
نسبت به درآمدهای خودشان برت
خوردارند، اکثر این مبالغ را
خواهند گرفت. بسیاری ساده تر
این طرح بمعنای آنست که
کشورهای صادرکننده نفت
چون عربستان سعودی، اما
رات متحده عربی و کویت...
که خود از نیروی انسانی کافی
برای تشکیل ارتشهای قوی
بهره مند نیستند به کشورهای
که دارای نیروی انسانی کافی
نی بوده ولی از پول بی بهره
اند، کمک مالی میکنند. این
ارتشها در خدمت امپریالیسم
آمریکا و برای سرکوب انقلاب
های مردم این منطقه بکار
خواهند رفت. در حقیقت این
طرح ادامه همان سیاست
شیگسون و ژاندارم پروراندن
در منطقه در سطحی بالاتر میآید.
شده. طرحی است برای متصد
گردانیدن همه امکانات مرتجعی
تجمعین محلی و نوکران آمریکا
برای مقابله با انقلاب مردم
منطقه. این یک روی این طرح
است.
روی دیگر، هدف دیگر
این طرح، جلوگیری از نفوذ

گرفت که بموجب آن کشورهای
غنی عرب سالها به مبلغی بین
۱/۵ تا ۲/۵ میلیارد دلار به
کشورهای "فقیر" عرب کمک
خواهند کرد.
"این مبلغ بر مبنای
قرموی که در آمد سرانه و مخا
رج نظامی یک کشور را در نظر
دارد، تقسیم خواهد گشت" به
عبارت دیگر کشورهای چون

مجله آمریکا شنیوز -
ویک "۸ دسامبر ۱۹۸۰) خبر
کوچکی دارد که پرده از روی یکی
دیگر از ترطه های آمریکا بر
میدارد. بر مبنای این خبر در
کنفرانس اخیر کشورهای عرب
که در مان تشکیل شد (ومده ای
از کشورها چون لیبی و الجزایر
و سوریه و... آن را تشریح
کردند) طرحی مؤرد تمویب قرار

مدافعین اشتغالگری "قانونی" و "مشروع"

مشروع "خواهد بود. ولی کدام
"قانون" و کدام "شرع" مقدس؟
قانون امپریالیستی تزارهای
نورین قانون سلطه گری و الحاق
گری کولمبن نشینان مسکو،
"شرع" یا صلاح کمونیستی
امثال بوژن و پاناماریوف
و نوکران ریزورشتان چون
بهرک گامبل و منگیستوها یله
مریم و البته جناب فیئدل
کاسترو.
ضمین "قانون" و "شرع"
مقدس بود که سوسیال امپریالیسم
لیستهای روس را در دفاع از
انقلاب گدایی به لشکرکشی
به افغانستان و قتل و کشتار
مردم آن دیار ترغیب و تشویق
کرد. ضمین "قانون" و "شرع"
مقدس بوده است که سربازان
کوبایی و چون مزدوران در
گوشه و کنار جهان برای ماجرا
جویی های سوسیال امپریالیسم
لیستهای روسی پراکنده ساخته
است و همین "قانون" و "شرع"
به آنها است برای لشکرکشی
احتدالی به لیستیان.
برای این اظیارات
فیئدل کاسترو در ایران نیروی
بقیه در صفحه ۷

اخیرا فیئدل کاسترو -
اشانایی دیروزین و مسداح
شوروی سوسیال امپریالیستی
امروزین - طی نطقی در کنفره
دوم حزب با صلاح کمونیست
کوبا به تاج و زگری و اشتغالگری
اربابان روسی خود "مشروعیت"
و "قانونیت" بخشیده اند.
موضوع مورد بحث فیئدل
کاسترو، اجباراً اوضاع بحرانی
لیستان بوده است. فیئدل کاس
سترو در نطق خود میگوید: "...
لیستانی ها وظیفه مقدس دارند
با وسایل خودشان مشکلات
خودشان را حل کنند. ولی اگر
به حل این مشکلات نائل نشوند
برای دفاع از وحدت سوسیالیسم
لیستی مداخله از خارج قانونی
و مشروع خواهد بود" و "کشور
دای سوسیالیست حق دارند
برای نجات کمونیسم مداخله
کنند."
جداً وقاحت هم حسد و
اشنازه ای دارد. بایک ترجیع
بند "دفاع از وحدت سوسیالیسم"
لیستی "دروغین" و "نجات
کمونیسم" نوع روسی هرگونه
اشغالگری و تاج و ز مداخله
امپریالیستی "قانونی" و

در این مورد با شما نقلیج

راست می گوید!!

گفتگوی زبرد محاکمه شیماربا شما نقلیج - رئیس
ستاد ارتش کودتای ۲۸ مرداد - بین او و عضو قوقدان "دادگاه
صورت گرفته است. ما آن را عیناً از "انقلاب اسلامی" (۲۴ آذر)
نقل میکنیم:
"متهم... تنها در ۲۵ مرداد با من تماس گرفته شد
و گفته شد که تغییراتی در پیش است. و من گفتم که
بقیه در صفحه ۱۳